



تبیین و بررسی تأثیرپذیری انقلاب اسلامی ایران

از واقعه عاشورا از منظر خاورشناسان

محمد مهدی باباپور گل افشانی^۱، مجتبی صبوری^۲

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۱۱/۰۷

تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۰۷/۲۴

چکیده:

این مقاله حاضر به تحلیل و بررسی تأثیر انقلاب اسلامی ایران از واقعه عاشورا از منظر خاورشناسان می‌پردازد. عاشورا، به عنوان یکی از مهم‌ترین وقایع تاریخ اسلام، نه تنها در بعد دینی و فرهنگی ایران، بلکه در شکل‌گیری و تکوین هویت و جنبش‌های اجتماعی و سیاسی مردم ایران تأثیرگذار بوده است. خاورشناسان، با بررسی ابعاد مختلف این واقعه، همچون ابعاد فرهنگی، اجتماعی و سیاسی، نقش آن را در تحولات اجتماعی و سیاسی ایران در قرن بیستم ارزیابی کرده‌اند. ویژگی‌های آموزه‌های عاشورا، شامل فداکاری، ظلم‌ستیزی و حق‌طلبی، به عنوان اصولی بنیادین، در فرآیند شکل‌گیری نظریه‌ها و ایدئولوژی‌های انقلاب اسلامی به کار گرفته شده است. در این راستا، این تحقیق با مرور آثار و نظرات خاورشناسان برجسته، به تحلیل اینکه چگونه آموزه‌های عاشورا در آگاهی و بسیج اجتماعی مردم ایران مؤثر واقع شده و به پیشبرد انقلاب اسلامی کمک کرده است، می‌پردازد. بدین‌وسیله، هدف از این پژوهش روشن ساختن تعاملات عمیق بین تاریخ، فرهنگ و سیاست در بستر انقلاب اسلامی ایران و تأکید بر نقش محوری عاشورا در این فرآیند است. روش تحقیق ما توصیفی - تحلیلی بر اساس عامل مذهب و ریشه‌یابی انقلاب اسلامی ایران در فرهنگ عاشورا با تمرکز بر دیدگاه خاورشناسان است. نتایج این تحقیق نشان می‌دهد که واقعه عاشورا به‌عنوان یک الهام‌بخش عمیق، در روند شکل‌گیری و پیروزی انقلاب اسلامی ایران تأثیرات گسترده‌ای داشته و ارزش‌های نهفته در آن، به شکل‌گیری هویت و آرمان‌های انقلابی کمک کرده است.

واژگان اصلی:

انقلاب اسلامی ایران، شیعه، واقعه عاشورا، دین، خاورشناسان

^۱ - عضو هیأت علمی، دانشیار دانشکده الهیات و ادیان دانشگاه شهید بهشتی، تهران، ایران

^۲ - دکترای مدرسی انقلاب اسلامی و دانش آموخته سطح ۴ حوزه علمیه، تهران، ایران (نویسنده مسئول)

مقدمه :

انقلاب اسلامی ایران یکی از مهم‌ترین انقلاب‌های بزرگ اجتماعی معاصر به شمار می‌رود که به دلیل ویژگی‌های خاص و منحصر به فردش مورد توجه بسیاری از خاورشناسان و تحلیلگران سیاسی و اجتماعی قرار گرفت؛ از این رو سعی کردند انقلاب اسلامی را با رویکردهای مختلف اجتماعی، روانی، سیاسی و اقتصادی تحلیل کنند. اما بسیاری از آنها مانند تدا اسکاچپول و میشل فوکو تشخیص دادند که انقلاب اسلامی ایران با سایر انقلاب‌ها متفاوت است و از این رو سعی کردند این انقلاب را بر اساس ویژگی‌های خاص خود که مبتنی بر تفکر شیعی است، با رویکردی متفاوت از رویکرد قبلی خود تحلیل کنند.

بررسی تاریخ انقلاب اسلامی ایران نشان می‌دهد که انقلاب ایران از سال ۱۳۴۲ مصادف با ماه محرم آغاز شد و امام خمینی (ره) با استفاده از فضای معنوی محرم و واقعه عاشورا، مسلمانان ایران را به صحنه آورد. مبارزه برای مقابله با اقدامات ضد مذهبی شاه ایران، به ویژه جنایات رژیم پهلوی در جریان انقلاب با واقعه کربلا و مصائبی که بر امام حسین (علیه السلام) و اهل بیت ایشان وارد شد، مقایسه شد. از این رو، انقلاب اسلامی ایران تضادهایی بین نظریه‌های جدید و قدیم انقلاب در غرب و نظریه‌های کلاسیک جامعه‌شناسی غرب ایجاد کرد که اساساً دین را عاملی فرعی و حتی آزاردهنده می‌دانستند و دین را از سیاست جدا می‌کردند.

رابطه دین و سیاست در جامعه ایران قبل از انقلاب اسلامی یکی از مواردی بود که به طرق مختلف مطرح شد. در این میان رویکرد متفکران غربی به رابطه دین و سیاست عموماً متأثر از تجربیات تاریخی غرب و پذیرش اومانیزم بوده است. در ادراکات و نظریات جدید، یکی از باورهای غلط حذف دین به عنوان یکی از نیروهای تأثیرگذار در جنبش‌ها بود. یکی از نظریه پردازان نسل اول مدرنیزاسیون، دانیل لرنر است که در بررسی ایران در دهه‌های ۱۹۶۰ و ۱۹۷۰ اساساً هیچ اشاره‌ای به نقش دین در این فرآیند نمی‌کند و از اهمیت این حوزه کاملاً بی‌خبر است. این غفلت نه به این دلیل که نقش دین در جامعه ایران در گستره مطالعاتی وی قابل توجه نبوده، بلکه به دلیل پیش فرض‌ها و روش‌هایی است که وی در پیش گرفته و این موضوع مهم و تاریخی را از تحلیل خود حذف کرده است. (لرنر، ۱۳۸۳: ص ۹۸)

در مطالعات علوم اجتماعی نیز درگیری علم و دین همواره قابل مشاهده است؛ به طوری که در این نبرد علم همواره بر دین پیروز بوده است؛ امری که در راستای سیاست های غرب است. بنابراین روش شناسی علوم اجتماعی غرب نتوانسته است تحلیل مناسبی از رابطه دین و سیاست ارائه دهد. تحلیلگران به روش های مختلف به این موضوع اشاره کرده اند.

پیتر کالورت در کتاب انقلاب و ضدانقلاب خود می گوید: در واقع انقلاب ایران یک جنبش واقعی تلقی می شود، معیاری برای دانستن اینکه سکولاریسم جامعه غربی آنقدر گسترش یافته است که فقط تعداد محدودی از ما از قبل متوجه شده ایم، که قدرت دین سستی هنوز بسیار قوی است. (کالورت، ۱۳۸۳: ص ۶۳)

آیا سکولاریزاسیون با وجود انقلاب اسلامی اجتناب ناپذیر است؟ برخی استدلال می کنند که چیزی در مورد انقلاب ایران وجود دارد که غرب فاقد آن است. میشل فوکو می نویسد: برای کسانی که بر روی این زمین (ایران) زندگی می کنند، جستجوی چیزی (معنویت سیاسی) که ما غربی ها پس از رنسانس و بحران زندگی مسیحی امکان آن را از دست داده ایم به چه معناست؟ اکنون می توانم صدای خنده فرانسوی ها را بشنوم. اما می دانم که اشتباه می کنند. (فوکو، ۱۳۷۵: ۴۲) فوکو در ادامه می گوید: هیچ عبارتی برای ایرانیان پوچ، احمقانه، خشک و خشن تر از جمله «دین افیون توده هاست» نیست. فرقه شیعه پیروان خود را به نوعی بی قراری مسلح می کند و به آنها شوری سیاسی و مذهبی می دهد. (همان، ۳۰) تشیع با احساسات و عشق همراه است؛ اما این احساس بر اساس عقل و عقلانیت است که در مکتب تشیع بسیار مهم است.

پیروزی انقلاب و الگوی تشکیل حکومت اسلامی را می توان در آموزه های اسلام شیعی جستجو کرد. ختم نبوت باب جدیدی را برای امامت گشود که از طرفی حفظ شریعت نبوی به اولیای آن سپرده شد و از طرف دیگر آنها سرمشق مردم بودند؛ اما ستمگران تاریخ به آنها امان ندادند و با آنها مخالفت کردند؛ اما این مخالفت باعث نشد که ساکت بمانند و تسلیم حاکمان قدرتمند شوند. بلکه هر کدام با تدبیر خاص خود با رژیم حاکم مبارزه کردند و در این راه به شهادت رسیدند. آنها با شهادت خود به رهروان خود نحوه مبارزه را آموختند. شیعیان نهضت خود را با الهام از امامانش آغاز کردند. (همان، ۳۶-۳۷).

در این پژوهش سعی شده میزان تأثیرپذیری قیام مردم ایران به رهبری امام خمینی (ره) از واقعه عاشورا و نهضت امام حسین (علیه السلام) از منظر خاورشناسان بررسی شود. پژوهش حاضر بر این

فرضیه استوار است که خاورشناسان در تبیین و بررسی تأثیرپذیری انقلاب اسلامی ایران از واقعه عاشورا، بیشتر بر جنبه‌های نمادین، فرهنگی و اجتماعی تأکید داشته و به ابعاد سیاسی و دینی آن در تحولات اجتماعی و سیاسی ایران توجه کرده‌اند.

پیشینه پژوهش:

پژوهش‌های متعددی به بررسی ارتباط بین انقلاب اسلامی ایران و واقعه عاشورا پرداخته‌اند. در مقاله‌ای با عنوان «تأثیر فرهنگ عاشورا و نموده‌های عینی آن در اندیشه و زندگانی امام خمینی» (۱۳۷۵)، نویسنده به این نتیجه می‌رسد که فرهنگ عاشورا در ابعاد گوناگون سیاسی، اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی، اخلاقی، عرفانی و نظامی در تفکرات و سلوک امام خمینی نمود داشته است. جمیله کدیور نیز در پژوهش خود با عنوان «نقش نهضت عاشورا در شکل‌گیری و تداوم انقلاب اسلامی ایران» (۱۳۷۵) بیان می‌کند که نهضت عاشورا یک جنبش عظیم فرهنگی است که ابعاد مختلف زندگی بشر را در بر می‌گیرد. عبدالمجید معادیخواه در پژوهش «نقش عاشورا در شکل‌گیری انقلاب اسلامی» (۱۳۷۵) خاطر نشان می‌کند که عاشورا در تاریخ اسلام، در دوره‌های گوناگون و به‌ویژه در شکل‌گیری و تداوم انقلاب اسلامی بازتاب داشته است، اما جامعه ما در حال حاضر در زمینه تاریخ سیاسی عاشورا دچار کمبود فرهنگی است. همچنین، احمد احمدی بیرجندی در مقاله «تأثیر فرهنگ عاشورا بر هنر و ادبیات فارسی» (۱۳۷۵) به بررسی نوآورانه‌ای از این موضوع پرداخته است. بهجت یزدخواستی و حسن موحدیان در مقاله‌ی «تأثیر انقلاب عاشورا بر انقلاب اسلامی ایران» (۱۳۸۹) اذعان دارند که نمی‌توان انقلاب اسلامی را بدون تمرکز بر انقلاب عاشورا تبیین کرد. آن‌ها این سؤال اساسی را مطرح می‌کنند که کدام‌یک از عوامل انقلاب عاشورا در انقلاب اسلامی نقش پررنگ‌تری داشته و امام خمینی چگونه از آن برای به ثمر رساندن انقلاب بهره برده است. در نتیجه‌گیری این مقاله آمده است که پیروزی انقلاب و پویایی مذهب تشیع از عاشورا و نهضت امام حسین (ع) الگوبرداری و تأثیرپذیری داشته است. امام خمینی با بهره‌گیری از ظرفیت‌های عاشورا و با توجه به قدرت جذب، الهام‌بخشی، سازماندهی و شورآفرینی کربلا و مراسم عزاداری محرم، روحیه شهادت‌طلبی را در مردم احیا کرد و راهپیمایی‌های تاسوعا و عاشورا در آخرین سال حکومت پهلوی، ضربه نهایی را بر آن وارد نمود.

تفاوت و جنبه ممیز مقاله حاضر در این است که این مقاله به طور خاص به بررسی و تحلیل دیدگاه‌ها و نظرات خاورشناسان درباره میزان و چگونگی تأثیرپذیری انقلاب اسلامی ایران از واقعه عاشورا می‌پردازد، در حالی که مقالات دیگری که پیش‌تر ذکر شدند، عمدتاً از دیدگاه داخلی و با تکیه بر منابع و تحلیل‌های ایرانی به این موضوع پرداخته‌اند. این مقاله با تمرکز بر دیدگاه خاورشناسان، رویکردی متفاوت و متمایز به موضوع تأثیرپذیری انقلاب اسلامی ایران از واقعه عاشورا ارائه می‌دهد و با بررسی و تحلیل دیدگاه‌های آن‌ها، به درک عمیق‌تر و جامع‌تری از این موضوع کمک می‌کند.

تعریف مفاهیم

انقلاب

انقلاب در لغت به معنای تغییر و دگرگونی است. (معین، ۱۳۶۰: واژه انقلاب؛ شیخ الطریحی، ۱۳۶۷: ۳/ ۵۳۹) و در تعریف اصطلاحی، انقلاب تحولی اساسی در همه زمینه‌های اجتماعی، اخلاقی، اقتصادی، حقوقی و به ویژه سیاسی است، نسبت به آنچه قبل از انقلاب استوار و پابرجا بوده است، (باقی زاده، ۱۳۷۸: ۲۰۹)

دیدگاه متفکران مسلمان

آیت الله خامنه‌ای انقلاب را یک تحول اساسی می‌داند. ایشان با بیان این نکته که چنین تحول بنیادینی بدون چالش‌های دشوار و زورآزمایی در اکثر موارد امکان‌پذیر نیست، ضمن رد دیدگاه‌هایی که انقلاب را با شورش، اغتشاش، بی‌نظمی و بی‌سامانی یکی می‌دانند، می‌گوید: انقلاب آن جایی است که پایه‌های غلطی برچیده می‌شود، پایه‌های درستی به جای آن گذاشته می‌شود. (بیانات، ۱۳۷۹/۱۲/۹)

تعریف انقلاب از دیدگاه شهید صدر چنین است: انقلاب حرکتی سرسختانه و مبتنی بر اصول مکتبی معین است که با درک دقیق واقعیت‌های موجود، به دنبال تحولات عمیق و بنیادین در همه امور زندگی فردی، اجتماعی و سیاسی و معیارها، اصول و ارزش‌های ریشه‌ای حاکم است. (الحسینی، ۱۹۸۹: ۳۶۱-۳۶۲)

ساموئل هانتینگتون، از صاحب‌نظران معاصر، انقلاب را به عنوان یک دگرگونی درونی سریع، اساسی و خشن در ارزش‌ها و اسطوره‌های حاکم بر جامعه، نهادهای سیاسی، ساختارهای اجتماعی، رهبری، فعالیت‌ها و سیاست‌های دولتی تعریف می‌کند. (ساموئل هانتینگتون، ۱۳۷۰: ۳۸۵)

تدا اسکاچ پل، سه نوع انقلاب را فهرست می‌کند و تعریف مختصری از هر یک ارائه می‌دهد: انقلاب سیاسی: در انقلاب‌های سیاسی حکومت تغییر می‌کند، اما ساختارهای اجتماعی ثابت می‌ماند. انقلاب نوسازی: در انقلاب‌های نوسازی، حکومت تغییر نمی‌کند، بلکه ساختارهای اجتماعی تغییر می‌کند. انقلاب اجتماعی: در انقلاب‌های اجتماعی تغییرات سریع و اساسی هم در ساختار اجتماعی و هم در حکومت رخ می‌دهد. این تحولات با شورش‌های طبقات پایین جامعه حاصل می‌شود. (تدا اسکاچ پل، ۲۱)

چالمرز جانسون معتقد بود: انقلاب زمانی رخ می‌دهد که دولت به ارزش‌های اجتماعی حاکم در میان مردم اهمیت ندهد و پاره‌ای ارزش‌های جدید و نامتناسبی را در جامعه وارد کند. در چنین شرایطی دولت قبل از اینکه ملت و جریان انقلاب شروع شود، مشروعیت و اعتبار خود را از دست می‌دهد. سپس این جریان توسط شتاب‌دهنده‌ها تقویت می‌شود. مهمترین شتاب‌دهنده‌ها عبارتند از:

- ظهور یک رهبر قدرتمند.

- تشکیل یک سازمان نظامی انقلابی مخفی.

- شکست ارتش در یک جنگ که سبب تضعیف روحیه و سازمان آن شود. (رفیع زاده، ۱۳۷۷: ۴۲)

از آنچه گفته شد می‌توان نتیجه گرفت که انقلاب یک جنبش اجتماعی گسترده با رهبری مشخص، برنامه مشخص و مکتبی مدرن است؛ ناگهان اوج می‌گیرد و به تغییر اساسی تمام ساختارهای سیاسی، اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و حقوقی جامعه می‌انجامد.

انقلاب اسلامی

انقلاب اسلامی از دیدگاه امام خمینی (ره) به معنای تبدیل یک مملکت طاغوتی به مملکتی اسلامی است که بر اساس موازین اسلامی عمل کند. (امام خمینی، ۱۳۷/۱۰) از منظر امام خمینی (ره) اجرای قوانین و موازین اسلام آنقدر مهم است که در تعریف انقلاب اسلامی نقش اول را ایفا می‌کند. و این البته ناشی از نگاه قرآنی ایشان است. آنچه خداوند متعال می‌فرماید: «... وَمَنْ لَمْ يَحْكَمْ بِمَا أَنْزَلَ اللَّهُ فَأُولَئِكَ هُمُ الْكَافِرُونَ، ... وَمَنْ لَمْ يَحْكَمْ بِمَا أَنْزَلَ اللَّهُ فَأُولَئِكَ هُمُ الظَّالِمُونَ، ... وَمَنْ لَمْ يَحْكَمْ بِمَا أَنْزَلَ اللَّهُ فَأُولَئِكَ هُمُ الْفَاسِقُونَ». (المائدة: ۴۴، ۴۵، ۴۷)

حضرت آیت‌الله خامنه‌ای با اشاره به اینکه قدم اول انقلاب، پایه‌گذاری درست به جای پایه‌های نادرست است، مراحل بعد از پیروزی یک انقلاب را تبیین می‌کند. تبیین ایشان نشان می‌دهد که

منظور ایشان از انقلاب، انقلاب اسلامی است. وی می گوید: بلافاصله بعد از تحقق انقلاب، نوبت تحقق نظام اسلامی است. نظام اسلامی، یعنی طرح مهندسی و شکل کلی اسلامی را در جایی پیاده کردن. سپس، نوبت تشکیل دولت اسلامی است، به این معنا که منش و روش دولت مردان، اسلامی شود. این امر، باید به تدریج و با تلاش به وجود بیاید. (بیانات ۱۲/ ۱۳۷۹)

به عبارت دیگر، از دیدگاه حضرت آیت الله خامنه ای، انقلاب اسلامی سه مرحله دارد:

- دگرگونی ریشه ای با هدف برچیدن پایه های غلط یک نظام و پی ریزی پایه های درست.
 - طراحی مهندسی نظام اسلامی و اجرای شکل کلی آن (برقراری نظام اسلامی).
 - آماده سازی مقامات بر اساس موازین نظام جدید (تشکیل دولت اسلامی).
- آیت الله شهید مرتضی مطهری (ره) در تعریف انقلاب اسلامی بر ماهیت، روش و هدف انقلاب تاکید می کند: انقلاب اسلامی یعنی انقلابی که ماهیت اسلامی و راه اسلامی و هدف اسلامی دارد. (مطهری، بی تا: ص ۱۴۵)
- بر اساس توضیحات دیگر شهید مطهری، برخی از ویژگی های انقلاب اسلامی را می توان چنین استنباط کرد:

۱. انقلاب اسلامی دارای هویت اسلامی الهی است.
 ۲. انقلاب اسلامی به تاریخ و آینده بشریت خوش بین است و بر این باور است که حق بر باطل پیروز است و آینده از آن انسان های باتقوا است.
 ۳. اصل در انقلاب اسلامی اخلاق است نه مبارزه (همان، ص ۱۴۵ و ۱۴۶).
- در جمع بندی مفهوم انقلاب اسلامی می توان گفت:
- انقلاب اسلامی یک جنبش اجتماعی گسترده با رهبری دینی تعریف شده، شبکه ای از هدایت مردم، حمایت مالی صحیح، برنامه ای مبتنی بر تحقق موازین اسلام ناب محمدی (صلی الله علیه و آله) است که به تحول بنیادین و مستمر در تمامی ساختارهای سیاسی، اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و حقوقی، منجر می شود تا جامعه را از یک حکومت طاغوتی به حکومت اسلامی تبدیل کند و انسان ها را به افرادی که اعمال، عقاید و اخلاقشان اسلامی است، هدایت کند.

واقعه عاشورا

عاشورا روز دهم محرم است. شهرت این روز در میان مسلمانان به واقعه عاشورای سال ۶۱ هجری

قمری برمی گردد که امام حسین (علیه السلام) و یارانش در جنگ با لشکر یزید در کربلا به شهادت رسیدند و مسلمانان عزادار شدند. اطلاق کلمه «عاشورا» به دهم محرم بعد از شهادت امام حسین علیه السلام و یارانش صورت گرفته است و در زمان جاهلیت در دهم محرم عاشورا نمی گفتند. کاروان امام حسین در روز دوم محرم در کربلا فرود آمد و تا روز عاشورا در آن دیار ماند. با توجه به اینکه وقایع مهم کربلا در روزهای نهم و دهم محرم رخ داده است، این دو روز تاسوعا و عاشورا به معنای روز نهم و دهم محرم نامگذاری شده است (عاملی، ۱۳۸۲: ۱۰۶/۳).

آنتوان باره، شرق شناس مسیحی و عرب زبان سوری، معتقد است امام حسین (علیه السلام) مصداق استبداد ستیزی است و قیام ایشان بزرگترین قیام انقلابی در دین است که سرآغاز تحول و نقطه عطفی مؤثر در اندیشه های اسلام ناب محمدی به شمار می رود. وی می نویسد: «هیچ حماسه انسانی، چه در گذشته و چه در حال حاضر، به اندازه حماسه شهادت طلبانه کربلا موجب همدردی و درس آموزی نشده است، انقلابی بود در حد بزرگترین حادثه داخلی امت اسلامی که وجودش نقطه عطفی تأثیرگذار در مسیر اندیشه اسلامی به شمار می رفت و بدون این واقعه، اسلام دینی بی خاصیت می گشت که در کاسه ظاهری سر قرار داشت... انقلاب (امام) حسین (علیه السلام) در تاریخ بشریت از آغاز تا ابد، انقلابی «برتر» و «عالی» و «یگانه» و «بی نظیر» است و به جودانگی انسانی که به خاطر آن قیام کرده، ابدی و جاودانه خواهد بود.» (آنتوان پاره، ۴۸-۴۷).

موریس دوکبرا علت قیام امام حسین (علیه السلام) را عدم پذیرش ذلت و اطاعت از یزید می داند و بیان می کند که امام حاضر بود حتی فرزندان و خانواده خود را برای این هدف به زحمت اندازد و به خدمت بگیرد. به باور دوکبری، امروزه اگر استقلالی در میان مسلمانان دیده می شود، عامل اصلی آن عمل به دستورات قرآن و اسلام است. (ماربین و همکاران، ۱۳۳۶: ۲۰-۲۱)

خاورشناس:

در لغت مستشرق به معنای روشن و تابان است و در اصطلاح به معنای عالم و محقق و دانا به مسائل مشرق زمین است. (دهخدا، ۱۳۷۷: ۲۰۸۲۱/۱۳)

تئوری های انقلاب اسلامی ایران

اظهارات متعدد خاورشناسان حاکی از آن است که در تحلیل دقیق شکل گیری انقلاب اسلامی ایران،

اختلاف های فراوانی وجود دارد و هر یک از خاورشناسان از زاویه شناخت خود به تحلیل آن پرداخته اند. برخی از نظریه ها و فرضیه ها درباره انقلاب اسلامی ایران شامل وابستگی ایران به غرب بر اساس موقعیت و ژئوپلیتیک ایران، ناسیونالیسم ایرانی، ایدئولوژی و مذهب است.

۱. وابستگی ایران به غرب بر اساس موقعیت و جغرافیای سیاسی ایران

برخی خاورشناسان بر این باورند که وابستگی ژئوپلیتیکی ایران به راهبردهای نظام بین الملل و غرب که رژیم پهلوی را دست نشانده ساخته بود، نقش برجسته ای در شکل گیری انقلاب اسلامی داشت. نیکی کدی در توضیح ارتباط ایران با راهبردهای جهانی در شکل گیری انقلاب اسلامی می گوید: یکی از ابعاد بررسی شده و تأثیرگذار ایران و شکل گیری انقلاب اسلامی، رابطه ایران با غرب است. (کدی، نیکی. آر، ۱۳۶۹: ۳۹۹) برخی از پژوهشگران معتقدند که ایرانیان نسبت به دیگران از ماهیتی منحصر به فرد برخوردارند که تحمیل و وابستگی را زیر سوال می برد و حقیقت این است که حیات اجتماعی و سیاسی ایران ویژگی های خاص خود را دارد که هیچ اروپایی نمی تواند نفوذ کند. (جیمز، بیل، ۱۳۷۱: ۲۱) این روحیه ایرانیان باعث بی اعتمادی نسبت به غرب شده است. گری سیک در کتاب «همه سقوط می کنند» اعتقاد ایرانیان به تئوری های توطئه را عامل اصلی شکل گیری انقلاب و قطع رابطه با آمریکا می داند، به طوری که هرگونه تغییر ناگهانی در مسائل سیاسی، اقتصادی و اجتماعی ایران که حتماً ریشه در توطئه قدرت های خارجی دارد، (رفیع زاده، ۱۳۷۷: ۳۰۲) جزء اصول ذهنی ایرانیان است.

با این توصیف، تضاد هویت ایرانی با غرب، علاقه غرب به اهمیت ژئوپلیتیک ایران و وابستگی ایران به نظام سرمایه داری غرب، تأثیراتی در شکل گیری انقلاب داشت. اگر بپذیریم، سرزمین های امروزی تابع نیروهای جهانی و اقتصاد جهانی هستند و مردم نیروها را بر اساس پیشینه فرهنگی خود تفسیر می کنند و بر اساس آن واکنش نشان می دهند و به موجب آن به تکامل مکان خود و ترسیم یک نقشه جهانی که همیشه معتبر است، کمک می کنند (راولینگ، ۱۳۷۸: ۹۷) وابستگی رژیم پهلوی به غرب را نیز باید در برابر هویت بیگانه ستیز ایرانیان دید. همانگونه که مارک گازیوروسکی معتقد است که رژیم پهلوی بر ماهیت دست نشانده تکیه داشت. وی بر این باور است پس از کودتای آمریکایی ۲۸ مرداد ۱۳۳۲، ایران به شدت دست نشانده این کشور شد. او اضافه می کند که پس از پا

گرفتن این دست نشانده‌گی، ممکن است انواع دیگری از واکنش‌ها هم ایجاد شود. امنیت حاصل از این رابطه ممکن است صاحبان سرمایه در کشور حمایت‌کننده را به سرمایه‌گذاری در کشور دست‌نشانده رهنمون شود. این اقدامات متقابل ممکن است به توسعه روابط دیگری مانند وابستگی اقتصادی یا نفوذ فرهنگی به موازات رابطه دست‌نشانده‌گی منجر شود. مارک گازیوروسکی درباره نقش نظام وابستگی در شکل‌گیری انقلاب اسلامی می‌گوید: «بدون دخالت آمریکا، توازن نیروهای سیاسی داخلی در ایران به آنچه در ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ رخ داد، منجر نمی‌شد. همچنین تأثیر روابط ایران و آمریکا بر سیاست داخلی ایران منجر به انقلاب ۱۳۵۷ شد.» (خلیلی، ۱۳۸۱: ۴۸۶)

۲. ناسیونالیسم ایرانی

طرفداران این نظریه معتقدند یکی از مهم‌ترین عوامل مؤثر در شکل‌گیری انقلاب اسلامی، ویژگی‌های انسانی و ملی در ایران است. در گذشته آذری‌ها، کردها، بلوچ‌ها و سایر گروه‌های انسانی نقش اساسی در تحولات ایران داشتند. انقلاب مشروطه و انقلاب اسلامی مدیون مشارکت همه اقوام ایران است که همگی خود را در سرنوشت ایران سهیم می‌دانستند. اما چه چیزی منجر به همبستگی این اقوام شد؟ ناسیونالیسم ایرانی از دیرباز بر اقوام ایرانی سایه افکنده است. چنانکه در ذیل این هویت ایرانی که تنها در مورد قوم خاصی صدق نمی‌کند، منجر به یکپارچگی سرزمین چند قومیتی ایران شده است. نباید فراموش کرد که ناسیونالیسم در ایران نه تنها رنگ قومی و زبانی دارد، بلکه مذهب شیعه نیز در ساختن آن نقش فعالی داشته است. به گونه‌ای که آمیزه‌ای خاص از دین، زبان و قومیت، ناسیونالیسم ایرانی را تشکیل می‌دهد. ریچارد کاتم درباره نقش ناسیونالیسم مذهبی در تحولات ایران می‌گوید: «در جریان انقلاب کبیر فرانسه، روحانیت و کلیساهای مسیحی این کشور از سلطنت و حفظ وضع موجود حمایت کردند، با انقلابیون مقابله کردند و عواقب ناگوار این رویارویی را متحمل شدند. اما در ایران رهبران برجسته روحانی نه تنها با حفظ وضع موجود (سلطنت استبدادی) مخالف بودند، بلکه از رهبران پرشور انقلاب مشروطه نیز بودند و به این ترتیب، ناسیونالیسم رو به پیدایش فرانسه طبیعتاً غیرمذهبی می‌شد، اما در ایران نمی‌شد چنین انتظاری از ناسیونالیسم داشت.» (کاتم، ریچارد، ۱۳۷۱: ۱۶۵)

تلاش بزرگ رژیم پهلوی در شکل‌گیری ناسیونالیسم قومی-زبانی بود. آنها به دنبال حذف تشیع از

ناسیونالیسم ایرانی برای ساختن تفکر حکومتی بودند و این اقدام آنها بیشتر در پاسخ به معادلات منطقه ای بود. پهلوی ها علاقه مند بودند ایران را از اعراب جدا کنند. آنها اعراب را همتای اسلام می دانستند و به همین دلیل پایه های مخالفت با اسلام را گذاشتند. در حالی که این فرض حکایت از عدم شناخت دقیق نقش مذهب در ناسیونالیسم ایرانی دارد.

اگرچه رژیم پهلوی خود را وارث ایران باستان می دانست، اما اندیشه حکومتی آنها چیزی جز سیاست بین المللی و وابستگی به انگلیس نبود. در این راستا، تعبیر حکومت از ملی گرایی ملت با تناقضات جدی مواجه شد. بنابراین، در مقابل ناسیونالیسمی که رژیم می خواست، نوعی ناسیونالیسم غیردولتی وجود داشت که به نیروی بازسازی تبدیل شد و زمینه را برای بازسازی و تجدید رویه های رنگ باخته جنبه های دینی و هویت ایرانی ایجاد کرد. و با شکل دادن به انقلاب، زمینه تحول در روابط اجتماعی، اندیشه های سیاسی، جامعه شناسی سیاسی و ارزش های جامعه شد.

قبل از انقلاب دو موضع ناسیونالیست در ایران وجود داشت:

- ۱- ناسیونالیسم غربی آمیخته با فرهنگ غربی و اندیشه ایران باستان که شاه به دنبال آن بود.
- ۲- ناسیونالیسم آمیخته با مکتب تشیع که انقلاب ایران به آن پرداخت. اما نکته مهم این است که شاه در ایجاد هویت ملی به دنبال ناسیونالیسم غربی بود تا مذهب.

این امر تضاد خاصی را بین ناسیونالیسم معرفی شده توسط حکومت و ناسیونالیسم برخاسته از بطن محیط و مردم ایجاد کرد. این در حالی بود که انقلاب اسلامی یک انقلاب فکری واقعی بود که مردم با عشق و ایمان آن را پذیرفتند و همه گروه های جمعیتی سراسر ایران در شکل گیری آن نقش داشتند. این نشان دهنده نقش مردم و وفاداری آنها به ایده ای است که رژیم گذشته از آن غفلت کرده بود. ناسیونالیسم موجود در جامعه از اقدامات رژیم سابق انتقادات جدی وارد می کرد. ریچارد کاتم درباره نقش ناسیونالیسم ایرانی در شکل گیری انقلاب می گوید: «مداخله آمریکا در سال ۱۹۵۳ با کودتای نظامی، برکناری مصدق و جایگزینی حکومت دیکتاتوری تحت نظر شاه به جای حکومت مردمی، اقدامی اشتباه بود؛ زیرا این اقدام نفی توسعه سیاسی یک جامعه سیاسی و دموکراتیک محسوب می شد و باعث شد حتی ناسیونالیسم ایرانی هم به اهداف آمریکایی ها شک کنند». (کاتم، ریچارد، ۱۳۷۱: ۱۱)

ناسیونالیسم ایرانی در سال های بعد به دلیل سیاست های ناشایست رژیم، به ویژه در قبال اقوام و اقلیت ها،

بی‌اعتمادی خود را نسبت به حکومت افزایش داد و زمینه ساز شکل‌گیری انقلاب اسلامی شد و توانست همه گروه‌ها را به شکل یک هویت واحد سازماندهی کند. همانطور که حضرت امام خمینی (ره) در زمینه اقدامات متناقض رژیم گذشته با اقوام حمله‌کننده به ناسیونالیسم ایرانی خاطر نشان کردند: مقاصد ملت ایران و دولت ایران را ببینید که آیا اینها اسلام را می‌خواهند و به اسلام پناه می‌خواهند ببرند یا اینکه اینها می‌خواهند گروه‌گرایی کنند؟ ملت‌گرایی کنند و فارس را می‌خواهند ببرند بالا و عرب را می‌خواهند بیاورند پائین؟ (بیانات و اعلامیه‌های امام از سال ۱۳۴۱ تا ۱۳۶۱، ۱۳۶۲، ص ۱۹)

۳. دین (ایدئولوژی)

یکی از عوامل مهم در شکل‌گیری انقلاب‌ها در کشورهای مختلف، عامل فرهنگی مبتنی بر ویژگی‌های غیراکتسابی جمعیت مانند مذهب، زبان و قومیت است.

تاریخ ملل مملو از کشمکش‌های ایدئولوژیک، سیاسی و نظامی بر سر نحوه اعمال قدرت و به دست گرفتن کنترل حکومت بوده است و در عمل این مفاهیم با هم آمیخته و کمتر از هم جدا و مجزا بوده‌اند، همچنان که سیاست با دین آمیخته شده و بر حکومت تأثیر گذاشته است. اگرچه این آمیختگی در کشورهای اسلامی بیشتر از کشورهای اروپایی رخ می‌دهد، اما در اکثر کشورهای اسلامی، اسلام معیار اصلی هویت و وفاداری گروهی است. مسلمانان اسلام را مرزی بین خود و دیگران، خودی و غیر خودی قرار داده‌اند. در دنیای غرب برای طبقه بندی باید به معیارهای دیگری مانند ملت، کشور و زیرمجموعه‌های آنها اشاره کرد که با معیارهای موجود در جهان اسلام متفاوت است. (لوئیس، برنارد، ۱۳۷۸: ۲۱)

ماکس وبر اولین خاورشناسی بود که در جهان غرب به نقش دین در انقلاب‌ها توجه کرد. او در نظریه خود بر نقش نظام عقیدتی و تأثیر آن بر اعمال مردم تأکید می‌کند. به نظر او، استثمار طبقه محروم و مستضعف توسط طبقه حاکم در چارچوب اندیشه و تفکر جامعه درک می‌شود. از نظر وبر، دین و نظام‌های اعتقادی نیز بر نحوه شناخت تأثیر می‌گذارند. بنابراین در جوامع غربی آنجا که مذهب پروتستان حاکم است و ارزش‌های طبقه کارگر بر اساس آموزه‌های دینی شکل می‌گیرد، احتمال وقوع انقلاب جامعه‌گرایانه کم است. به نظر او نقش اندیشه‌ها در کنش و واکنش جوامع متفاوت است. (وبر، ۱۳۷۴: ۳۹۲)

همه محققین بر این باورند که در کشورهای اسلامی، مذهب برای حکومت و حکومت برای مذهب

آموزه ضروری است. چنانکه حکومت، مشروعیت خود را از این عامل کسب می کند. (یوآزان، مارسل، ۱۳۶۹: ۴۷) از آنجایی که ایران نیز کشوری اسلامی است، بدون شک نقش دین در انقلاب ایران، هم در حرکت فردی و هم در سازماندهی جمعی نقش اساسی داشت.

از این رو بسیاری از خاورشناسان جوهره انقلاب اسلامی ایران را احیای اسلام و تحقق امر الهی به امر به معروف و نهی از منکر دانسته اند. انقلاب اسلامی ایران در حالی که اسلام را به عنوان نیرویی جدید در دنیای مدرن مطرح کرد، نظریه پایان عصر دین و جدایی دین از سیاست را به چالش کشید و ثابت کرد که عصر دین و باورهای دینی و مذهبی به پایان نرسیده است. افرادی مانند دورکیم و مارکس معتقد بودند که در دنیای مدرن دین به یک موضوع حاشیه ای تبدیل می شود و سکولاریزاسیون فرآیندی اجتناب ناپذیر است. (گیدنز، ۱۳۷۹: ۵۰۵) اما انقلاب اسلامی ایران نشان داد که دین می تواند به عنوان یک نیروی دگرگون کننده در جوامع ایفای نقش کند. اوج گیری خیزش مذهب و انقلاب، سراسر جهان را درنوردید و جهان غرب به دلیل انقلاب اسلامی ایران اسلام را دوباره کشف کرد. (همان، ۳۲).

این انقلاب عظمت خود را از اسلام و مکتب تشیع گرفته است و این همان چیزی است که حتی خاورشناسان هم نتوانستند آن را پنهان کنند. گروهی از نویسندگانی که به تحلیل و تبیین انقلاب اسلامی و ویژگی های آن پرداخته اند، به نقش شریعت در این پدیده توجه ویژه ای داشته و در تفاسیر خود به آن پرداخته اند. پیروزی انقلاب را می توان بخشی از صلابت و قدرت اسلام و شیعه دانست و به آن افتخار کرد. انقلابی که پیروزی آن توجه اکثر تحلیلگران انقلاب اسلامی ایران را به خود جلب کرد و ناظران خارجی را بهت زده کرد. آرنولد توینبی، مورخ مشهور انگلیسی، از محدود افرادی است که در دنیای غرب احیاء و عظمت تمدن اسلامی و برپایی حکومت اسلامی را تحت عنوان «پان اسلامیسم» از دیدگاه خود پیش بینی کرده بود. (محمدی، ۱۳۷۸: ۲۱). تعبیر آرنولد توینبی همان تعبیر دیلیپ هیرو نویسنده هندی است: «بسیاری از مفسران ایران را به عنوان نمونه ای از احیای اسلامی بیان می کنند که در دهه های گذشته جهان اسلام را درنوردیده است». (همان، ۲۲۲).

وی در مورد موفقیت و پیروزی انقلاب اسلامی می گوید: (حتی) برای انقلابیون مایه شگفتی بود؛ همان طور که برای شاه و حامیان خارجی او بود. (همان، ۲۱۷) و «ظهور امام خمینی - رحمه الله -

به عنوان رهبر بلامنازع نهضت انقلابی، شگفتی بزرگ دیگری بود». (همان، ۲۱۸)

دکتر منصور مدال، استاد دانشگاه بریتانیا معتقد است: «ویژگی اصلی انقلاب ایدئولوژی است، تصور انقلاب ایران بدون در نظر گرفتن نقش اسلام شیعی در ایجاد و تداوم جنبش انقلابی ۵۷ و تأثیر آن در شکل‌دهی به نتایج انقلابی بسیار دشوار است. (معدل، ۱۳۷۵: ۵۲) میشل جانسون درباره انقلاب ایران می‌گوید: به طور قطع می‌توان گفت که انقلاب ایران اولین پیروزی مسلمانان بر غرب از قرن شانزدهم است. و نکته این است که اسلام عامل هدایت‌کننده این انقلاب بود و هیچ یک از عوامل تأثیرگذار غربی در آن نقشی نداشتند، این انقلاب عظمت خود را از اسلام و مکتب تشیع دارد و این چیزی است که حتی ناظران غربی نیز نمی‌توانند آن را انکار کنند.

تشیع از قدیم الایام عاملی تأثیرگذار در تحولات ایران بوده است. روحیه سلطه‌ستیزی آن منجر به توجه مردم به شعائر آن در مقابل حکومت‌های ضد دین شده و در برابر ظلم و ظالم قیام کنند. رژیم گذشته قادر به درک این واقعیت نبود، به طوری که در اوج تظاهرات مردمی، یک مستشار آمریکایی امیدوار بود که اگر در ماه محرم مقاومت کنید، همه چیز نجات می‌یابد (فوکو، ۱۳۷۷: ۵۳). این جمله به جای اشاره به نقش دین به عنوان یک قاعده فردی، تأثیر آن بر محیط و جمع در ایران را نشان می‌دهد. همانطور که نظر این مشاور آمریکایی مؤید این است که نگاه اسلام به انقلاب با نگاه غربی و مارکسیستی کاملاً متفاوت است، عامل اصلی شکل‌دهندگی به انقلاب، ماهیت آرمان خواهانه و هویت ده جمعی آن است. (مطهری، همان: ۱۸) در واقع انقلاب اسلامی انقلابی بود علیه ارزش‌های غربی و از سرمایه‌داری و کمونیسم متنفر بود و هر دو را دوری سکه ماتریالیسم می‌دانست. هدف جوانان در این انقلاب شغل و مسکن و ... نبود، بلکه به چیزی غیر از مادی‌گرایی اعتقاد داشتند. بر اساس این ویژگی، برخی از خاورشناسان معتقدند که مذهب تنها چیزی بود که می‌توانست اکثریت جامعه ایران را به یک حرکت انقلابی جذب کند. چرا که مردم ایران از غنی تا فقیر، از روستایی تا شهری کم و بیش اعتقادات مذهبی داشتند و اجرای احکام اسلامی را حلال بسیاری از مشکلات و مسائل خود می‌دانستند. (رویبن، ۱۳۶۳: ۱۹۷)

تأثیرپذیری انقلاب اسلامی ایران از واقعه عاشورا از منظر خاورشناسان

تحلیل تأثیرپذیری انقلاب اسلامی ایران از واقعه عاشورا از منظر خاورشناسان نیازمند بررسی و

دسته‌بندی دیدگاه‌های مختلف است، زیرا دیدگاه واحدی در این زمینه وجود ندارد. برخی از مهم‌ترین نظرات و رویکردهای آن‌ها به شرح زیر است:

۱. تأثیر فرهنگی و نمادین:

الف) اهمیت نمادین: بسیاری از خاورشناسان بر اهمیت نمادین واقعه عاشورا در شکل‌گیری انقلاب اسلامی تأکید دارند. آن‌ها معتقدند که داستان امام حسین (ع) و یارانش در کربلا، به عنوان نمادی از مبارزه با ظلم و استبداد، در اذهان مردم ایران نقش بسته و به آن‌ها انگیزه داده تا علیه حکومت پهلوی قیام کنند. به عنوان مثال موریس دوکبرا معتقد است که شیعیان استعمار را به سبب الگو بودن قیام امامشان در کربلا نمی‌پذیرند. چون شعار امام حسین تسلیم نشدن در برابر ظلم است. (مارین و همکاران، ۱۳۳۶: ۲۰-۲۱)

ب) الگوپردازی از عاشورا: برخی دیگر از خاورشناسان معتقدند که رهبران انقلاب اسلامی، به ویژه امام خمینی (ره)، آگاهانه از واقعه عاشورا به عنوان یک الگو برای بسیج مردم و پیشبرد اهداف خود استفاده کرده‌اند. آن‌ها با تشبیه حکومت پهلوی به یزید و مردم ایران به یاران امام حسین (ع)، توانستند حمایت گسترده‌ای را برای انقلاب خود جلب کنند در این رابطه فیشر می‌گوید: آیین‌ها و رویدادهای مذهبی مانند عاشورا، به بازآفرینی چهره‌های نیک و بد تاریخی و مذهبی می‌پرداخت. این امر، شرایطی را مهیا می‌ساخت تا مردم ایران، حاکمان دولتی از جمله شاه را به عنوان مظهر تباهی، بیدادگری و بی‌اخلاقی تشخیص دهند. به عنوان نمونه، شاه را با یزید برابر می‌دانستند. (Ficher, 1980, p. 15)

ایرانیان از گذشته علاقه‌مند به پیشوایی بوده‌اند که با اتکا به مبانی دینی، علاوه بر رفع نیازهای مادی، بتواند به نیازهای معنوی آنان نیز پاسخ دهد و یا در مواقع سختی به او مراجعه کنند، به طوری که رهبری دینی در تاریخ ایران پناهی برای مردم از ظلم ظالم و بیگانگان معرفی می‌گردید. علاوه بر این اصل مهم، حکومت پهلوی به گونه‌ای عمل می‌کرد که هویت دینی جامعه ایران در مقابل حکومت مشخص می‌شد. پیش از این، حاکمان و علمای دین به عنوان دو قطب اداره جامعه در کنار یکدیگر بودند، استقلال علما از حکومت بر اساس درآمدهایی مانند خمس و زکات، روحانیون را از حکومت مستقل می‌کرد. شاه با حذف این طبقه از اداره جامعه درصدد کاهش قدرت نفوذ دین در جامعه برآمد. اما همین هویت مستقل با رهبری حضرت امام خمینی (ره) با ماهیت بورژوازی حکومت مقابله کرد و نقش مهمی در انقلاب داشت. این امر باعث شد که به گفته هما امید، رهبری دینی بتواند از تشیع با

روحیه مقابله با ظلم و ستم به عنوان یک آگاهی ملی در ایران استفاده کند (omid، ۱۹۹۴: ۴۵) و مبارزه را سازماندهی کند.

میشل فوکو در کتاب «ایرانی‌ها چه رؤیایی در سر دارند» در توصیف ویژگی‌های سازمان‌دهی اسلام شیعی می‌گوید: «اسلام شیعی در واقع ویژگی‌هایی دارد که می‌تواند رنگ خاصی به خواست حکومت اسلامی بدهد (فوکو، همان: ۲۷) و منجر به خلق سازماندهی ویژه از اجتماع شود، به طوری که وجود هشتاد هزار مسجد و ۱۸۰ هزار روحانی در سراسر ایران، نوعی تشکیلات اساسی و زیربنایی را در کشور ایجاد کرده است که در صورت لزوم، می‌تواند به راحتی توده‌های مردم را به هر سمتی که رهبران مذهبی می‌خواهند سوق دهد. (هویدا، ۱۳۷۰: ۴۳) همچنان که تنها چند ماه قبل از انقلاب، فعالان اسلامی توانستند بر شهرهای مقدس قم و مشهد مسلط شوند و اعلام تشکیل جمهوری اسلامی در قم نمایند (گازیوروسکی، ۱۳۷۱: ۳۶۶) که حاکی از توانایی سازماندهی فضای دینی در جامعه است.

حکومت پهلوی درک نمی‌کرد که پیشوایان مذهبی در طول تاریخ نقش محوری در برانگیختن احساسات مردم داشتند و از گذشته تا ورود اسلام و از دوران صفویه تا پایان دوره قاجار، اعتقادات دینی سلاطین ایرانی بر باورهای ملی آنها غلبه داشت، اما ناگهان با کنار گذاشتن اسلام از ساختار اندیشه حکومتی، فرهنگ سیاسی مخالفان شکل گرفت. با حذف این عنصر مهم سرزمینی و تلاش برای حذف رهبری دینی از جامعه که از نظر میشل فوکو یکی از ویژگی‌های رهبری شیعه داشتن نقش توأمان راهنما و بازتاب بوده است (فوکو، همان: ۵۳) و چون در اسلام اجرای وظیفه و تکلیف اصل است، در نتیجه نفوذ رهبری دینی برای شکل دادن به انقلاب اسلامی فراهم شد.

بدین منظور برای درک سقوط رژیم سلطنتی در ایران باید به دو ویژگی مهم مذهب شیعه یعنی برحق شمردن قیام علیه حکومت‌های ظالم و ناحق و وجود مراکز قدرت مذهبی مستقل از حکومت در درون خود (روبین، ۱۳۶۳: ۱۱) اشاره کرد. اما نباید فراموش کرد که تشیع در طول تاریخ امتیاز ویژه و جالبی را به ایران بخشیده است که عامل استقلال ایران و تمایز آن از پیرامون است.

نگاه به قدرت نهفته دین در بطن جامعه که توانسته به هویت جمعی افراد کمک کند و با در نظر گرفتن همه تأکیدات تاریخی و معاصر بر نقش دین در تحولات ایران، اگر سرسختی و انعطاف ناپذیری امام

خمینی (ره) نبود، انقلاب ایران به احتمال زیاد منجر به سقوط شاه با رژیم سلطنتی ایران نمی انجامید و رژیم سلطنت مشروطه جایگزین حکومت شخصی شاه می شد. (روبین، ۱۳۶۳: ۱۹۷). چراکه نیروهای غیرمذهبی، چه چپ و چه ملی گرایان لیبرال، فاقد شخصیت برجسته ای بودند که بتواند وفاداری عموم مردم را به خود جلب کند و یا الهام بخش آنان برای جان فشانی در راه یک آرمان ایدئولوژیک باشند، هیچ فردی در افق کشور وجود نداشت که بتواند با جاذبه امام خمینی (ره) حتی با فاصله ای دور رقابت کند. (شورای نویسندگان کمبریج، ۱۳۷۱: ۳۲۳) مهمترین نقش حضرت امام خمینی (ره) رهبری انقلاب اسلامی ایران در مسیر مبارزه، با سرمشق گیری از قیام عاشورا و تبلور آن در اندیشه های ایشان و روند انقلاب اسلامی ایران بود. علاوه بر ویژگی های امام خمینی (ره) باید به حضور ایشان در عراق نیز توجه کرد، همچنان که با از سرگیری زیارت زائران ایرانی به شهرهای مذهبی عراق در سال ۱۹۷۶ میلادی، دامنه ارتباط و گستردگی منابع افزایش یافت. (فوران، جان، ۱۳۷۷: ۵۴۴)

۲. نقش در بسیج مردمی و ایجاد شور انقلابی:

الف) مراسم عزاداری: خاورشناسان به نقش مهم مراسم عزاداری محرم در بسیج مردمی و ایجاد شور انقلابی در ایران اشاره می کنند. آن‌ها معتقدند که این مراسم، فرصتی را برای گردهمایی مردم و ابراز نارضایتی از حکومت فراهم می کرد و به تقویت هویت جمعی و احساس همبستگی در میان آن‌ها کمک می کرد. رژی بلاشر می گوید: آغاز انقلاب اسلامی را باید از ایام محرم و عزاداری امام حسین (علیه السلام) و با الهام از معارف عاشورا دانست. بزرگترین اعتراضات مردمی در دوران انقلاب در تاسوعا و عاشورای حسینی رخ داد. در فاصله سال های ۱۳۴۲ تا ۱۳۵۷ مجالس محرم و صفر، منبرها، خطبه ها و نوحه خوانی ها فضای سیاسی و انقلابی به خود گرفت. قیام ۱۵ خرداد که نقطه عطفی در تاریخ انقلاب محسوب می شود، پس از سخنرانی محکم امام خمینی (ره)، در عصر عاشورای ۱۳ خرداد ۱۳۴۲ اتفاق افتاد. ۱۷ شهریور ۱۳۵۷، یکی از مقاطع مهم انقلاب بود که تحت تاثیر عاشورا و فرهنگ آن شکل گرفت. در سال ۱۳۵۷ بیش از دو میلیون نفر در راهپیمایی این روز در تهران شرکت کردند که تعجب ناظران خارجی را برانگیخت. (برید و بلاشر، ۱۳۵۸: ۴۱)

فوکو یکی از صحنه های نمایش قدرت مردم ایران را مراسم عزاداری سید شهیدان امام حسین (علیه السلام) می داند. (فوکو، ۱۳۷۵: ۶۵) چنانکه یکی از مستشاران آمریکایی می گوید: «اگر در محرم

مقاومت کنیم، همه چیز را می توان نجات داد؛ وگرنه...» (همان، ۵۳) فوکو در تظاهرات توده ای مستمر مردم ایران موفق شد رابطه عمیق و معناداری بین کنش جمعی، مناسک مذهبی و رفتاری از نوع حقوق عمومی کشف کند. از دیدگاه او، کاری که مردم ایران در سال ۵۷ انجام می دادند، اقدامی سیاسی و قضایی بود که به صورت جمعی در قالب و درون آیین مذهبی انجام می شد. اعتصابات در ماه محرم و در خلال عزاداری ها چنان گسترده شده بود که مرفه ترین و حتی فاسدترین طبقات را به همراهی با انقلابیون واداشت. و این چیزی جز قدرت بی مثال برای آیین های مذهبی محرم نبود. (همان، ۵۴).

ب) شعارها و نمادهای عاشورایی: استفاده از شعارها و نمادهای عاشورایی در جریان انقلاب اسلامی نیز مورد توجه خاورشناسان قرار گرفته است. آن‌ها معتقدند که این شعارها و نمادها، به مردم کمک می کرد تا اهداف و آرمان‌های انقلاب خود را در قالب مفاهیم مذهبی و تاریخی بیان کنند و از این طریق، حمایت بیشتری را برای انقلاب جلب کنند. یکی از موثرترین حرکت های انقلابیون ایران در رسیدن به پیروزی، برگزاری مجلس اربعین شهیدان به تاسی از اربعین حسینی بود. مراسم اربعین مراسمی مذهبی است که شیعیان چهل روز پس از رحلت عزیزانشان برگزار می کنند. این مراسم در راهپیمایی انقلاب اسلامی در سال‌های ۵۶ تا ۵۷ تأثیر متفاوتی داشت و مردم غمگین ایران به خوبی از این ابزار برای نشان دادن مخالفت خود با رژیم ظالم پهلوی استفاده کردند و نهضت و مقاومت علیه شاه را با برگزاری چهلم های شهدای خود زنده نگه داشتند و مخالفت خود را در قالب برپایی چنین مجالسی اعلام کردند. کدی در این زمینه می نویسد: «برگزاری مراسم چهلم یکی از بهترین نمونه های استفاده از سنت های شیعی برای اهداف سیاسی بود». (کدی، ۱۳۶۹: ۲۴۳)

۳. تأثیر بر مشروعیت بخشی به انقلاب:

الف) مشروعیت مذهبی: برخی از خاورشناسان معتقدند که واقعه عاشورا به انقلاب اسلامی مشروعیت مذهبی بخشید. آن‌ها با تأکید بر اینکه امام خمینی (ره) و دیگر رهبران انقلاب، خود را پیرو راه امام حسین (ع) می دانستند، توانستند حمایت روحانیون و قشر مذهبی جامعه را جلب کنند و انقلاب خود را به عنوان یک حرکت دینی و الهی معرفی کنند. ماروین زونیس می گوید: «علاوه بر جنبه کارکردی تشیع، نکته کلیدی دیگر نقش رهبری در بین ایرانیان است که از گذشته مهم بوده و شاه نتوانست آن را درک کند و علاوه بر آن شاه نتوانست انتظارات فرهنگی غالب ایرانیان از یک

رهبر شایسته را برآورده کند». (زونیس، ۱۳۷۰: ۱۷۷-۱۷۱).

ب) عدالت‌خواهی: تأکید بر عدالت‌خواهی و مبارزه با ظلم، از دیگر جنبه‌های تأثیرگذار واقعه عاشورا بر انقلاب اسلامی از منظر خاورشناسان است. آن‌ها معتقدند که این مفاهیم، در اذهان مردم ایران ریشه دوانده و به آن‌ها انگیزه داده تا برای تحقق عدالت و آزادی در جامعه خود مبارزه کنند. نیکو-آر. کیدی می‌نویسد: «وقتی شرایط جامعه بحرانی می‌شود و توجه مردم بیشتر به سمت مفاسد اجتماعی و بی‌عدالتی و لزوم مبارزه با آنها معطوف می‌شود، این نمایشنامه‌ها و روضه‌خوانی‌ها بیشتر به صورت یک تربیون سیاسی برای بیان چنین مطالبی در می‌آیند». (کندی، ۱۳۷۵: ۳۱۹)

نتیجه‌گیری

این پژوهش با هدف تحلیل تأثیرپذیری انقلاب اسلامی ایران از واقعه عاشورا از منظر خاورشناسان، به بررسی و دسته‌بندی دیدگاه‌های مختلف این گروه از محققان پرداخت. یافته‌ها نشان می‌دهد که خاورشناسان در مورد میزان و چگونگی این تأثیرپذیری، نظرات گوناگونی دارند. برخی بر نقش واقعه عاشورا به عنوان بستری برای شکل‌گیری هویت انقلابی و بسیج مردمی تأکید می‌کنند. از این منظر، عاشورا نه تنها به عنوان یک رویداد تاریخی، بلکه به عنوان یک الگوی کنش سیاسی و اجتماعی در جریان انقلاب اسلامی بازتفسیر شده است. مراسم عزاداری، پیام‌ها، شعارها و نمادهای عاشورایی، ابزارهایی بوده‌اند که به انقلاب مشروعیت مذهبی بخشیده و به بسیج نیروهای اجتماعی کمک کرده‌اند.

وجه مشترک اغلب دیدگاه‌های مستشرقین، اذعان به نقش قابل توجه عاشورا در شکل‌گیری انقلاب اسلامی ایران است. به نظر می‌رسد که واقعه عاشورا، با مفاهیمی چون عدالت‌خواهی، مبارزه با ظلم و فداکاری، توانسته است به عنوان یک منبع الهام‌بخش برای انقلابیون عمل کرده و به آنها در جهت‌دهی به حرکت‌های اعتراضی و ایجاد یک گفتمان انقلابی کمک کند.

رابطه عمیق و عاشقانه انقلاب اسلامی ایران و عاشورای امام حسین (ع) با هیچ نمونه‌ای در تاریخ مکتب‌ها، نهضت‌ها و انقلاب‌ها قابل مقایسه نیست. این موضوع بسیاری از خاورشناسان را بر آن داشته تا انقلاب اسلامی ایران را متمایز از سایر انقلاب‌ها بدانند. آنها عاشورا را خاستگاه انقلاب اسلامی ایران و رمز پیروزی و بقای آن می‌دانند. هنر امام خمینی (ره) این بود که نهضتش را به گونه

ای زمینه سازی کند و نیروهای نهضت را چنان تنظیم کند که نهضت اسلامی را به واقعه عاشورا پیوند دهد. رمز و رازهای پیروزی انقلاب اسلامی را نیز باید در موفقیت این راهبرد جستجو کرد.

فهرست منابع:

قرآن کریم.

آنه ماری شیمل، ۱۳۸۴، ابعاد عرفانی اسلام، عبدالرحیم گواهی، تهران، دفتر نشر فرهنگ اسلامی.
آنتوان باره، ۱۳۸۱، امام حسین در اندیشه مسیحیت، مترجمین دکتر فرامرز میرزایی و دکتر علی باقر طاهری نیا، همدان، دانشگاه بوعلی سینا.

ابو الحسن شیرازی، حبیب الله، ۱۳۷۰، انقلاب اسلامی و ریشه‌های آن، تهران، انتشارات مفهرس.

ادوارد براون، ۱۳۶۹، تاریخ ادبیات ایران، بهرام مقدادی، تهران، مراورید.

بیانات و اعلامیه‌های امام از سال ۱۳۴۱ تا ۱۳۶۱، ۱۳۶۲، در جستجوی راه از کلام امام، دفترنهم، تهران، مؤسسه انتشارات امیر کبیر.

بوآزار، مارسل، ۱۳۶۹، اسلام و جهان امروز، ترجمه مسعود محمدی، تهران، دفتر نشر فرهنگ اسلامی.

روبین، باری، ۱۳۶۳، جنگ قدرتها در ایران، ترجمه محمود مشرقی، تهران، انتشارات آشتیانی.

رینولد نیلکسون، ۱۳۸۰، تاریخ ادبیات عرب، کیوانداخت کیوانی، تهران، ویستار.

رفیع‌زاده، منصور، ۱۳۷۷، شاهد از شاه تا دخالت‌های آشکار امریکا در ایران، ترجمه وحید ایمن، انتشارات زریاب.

راولینگ، ریچارد و دوهرتی، ریچارد، ۱۳۷۸، جغرافیا در قرن بیست و یکم، ترجمه حسن لاهوتی، انتشارات آستان قدس رضوی.

روحانی، فخر، ۱۳۷۰، اهرمها سقوط شاه، تهران، نشر بلیغ.

زونیس، ماروین، ۱۳۷۰، شکست شاهانه، ترجمه اسماعیل زند و بتول سعیدی، تهران، نشر نور.

سرپرسی سایکس، ۱۳۶۸، تاریخ ایران، سید محمد تقی فخر داعی گیلانی، تهران، چاپخانه علمی.

سورای نویسندگان کمبریج، ۱۳۷۱، سلسله پهلوی و نیروهای مذهبی به روایت تاریخ کمبریج، ترجمه عباس مخبر، تهران، انتشارات طرح نو.

- جیمز، بیل، ۱۳۷۱، عقاب و شیر، ترجمه مهوش غلامی، تهران، انتشارات شهرآب.
- الحسینی، محمد، ۱۹۸۹، الامام الشهید السید محمدباقر صدر، بیروت، دارالفرات.
- حشمت‌زاده، محمدباقر، ۱۳۷۸، چارچوبی برای تحلیل و شناخت انقلاب اسلامی ایران، تهران، مؤسسه فرهنگی دانش و اندیشه معاصر.
- امام خمینی، سید روح الله، ۱۳۸۵، صحیفه امام، ۲۲ جلد، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، چاپ چهارم.
- خلیلی، اسد الله، ۱۳۸۱، روابط ایران و امریکا بررسی دیدگاه نخبگان امریکایی، تهران، انتشارات مؤسسه فرهنگی ابرار.
- فوران، جان، ۱۳۷۷، مقاومت شکننده - (تاریخ تحولات اجتماعی ایران)، ترجمه احمد تدین، تهران، مؤسسه خدمات فرهنگی رسا.
- فوکو، میشل، ۱۳۷۷، ایرانی‌ها چه روایی در سر دارند، ترجمه حسین معصومی همدانی، تهران، انتشارات هرمس.
- کاتم، ریچارد، ۱۳۷۱، ناسیونالیسم در ایران، ترجمه احمد تدین، تهران، انتشارات کویر.
- کدی، نیکی آر، ۱۳۶۹، ریشه‌های انقلاب ایران، ترجمه عبدالرحیم گواهی، تهران انتشارات قلم.
- گازیوروسکی، مارک، ۱۳۷۱، سیاست خارجی امریکا و شاه بنای دولت دست‌نشانده، ترجمه فریدون فاطمی، تهران، نشر مرکز.
- لوئیس، برنارد، ۱۳۷۸، زبان سیاسی اسلام، ترجمه غلامرضا لک، تهران، مرکز انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی.
- مارین و همکاران، ۱۳۳۶، قیام امام حسین (ع) و یارانش از نظر نویسندگان خارجی، ترجمه ناصر دهقانی.
- محمدی، منوچهر، ۱۳۷۰، انقلاب اسلامی در مقایسه با انقلابهای فرانسه و روسیه، تهران، ناشر نویسنده.
- محدثی، جواد، ۱۳۷۴، فرهنگ عاشورا، قم، نشر معروف.
- مطهری، مرتضی، بی تا، پیرامون انقلاب اسلامی، قم، انتشارات صدرا.
- مایکل کوک، ۱۳۸۴، امر به معروف و نهی از منکر در اندیشه ی اسلامی، احمد نمایی، مشهد مقدس، آستان قدس.
- مجموعه مقالات هشتمین کنفرانس بین‌المللی اندیشه اسلامی - (اندیشه‌های امام خمینی ره)،

۱۳۶۸، تهران، دبیرخانه کنفرانس اندیشه اسلامی.
معاونت امور اساتید - (جمعی از نویسندگان)، ۱۳۷۷، انقلاب اسلامی: چرایی و چگونگی رخداد آن، تهران، معاونت امور اساتید و دروس معارف اسلامی.
نجفی، موسی، ۱۳۷۸، مقدمه تحلیلی تاریخ تحولات سیاسی ایران، تکوین هویت ملی ایران از عصر صفویه تا دوران معاصر، تهران، مرکز فرهنگی انتشاراتی منیر.
هانزینگتون، ساموئل، ۱۳۷۰، سامان سیاسی در جوامع دستخوش دگرگون، ترجمه محسن ثلاثی، تهران، علم.
هویدا، فریدون، ۱۳۷۰، سقوط شاه، ترجمه ح.امهران، تهران، انتشارات اطلاعات.

Omid ,Homa, 1994IslamThe Post Revolutionary State In Iran St .Martin's Press.